

دوتا نفن

مک بارت و جوری جان
ترجمہ امیرالمصنفین دانشور کین

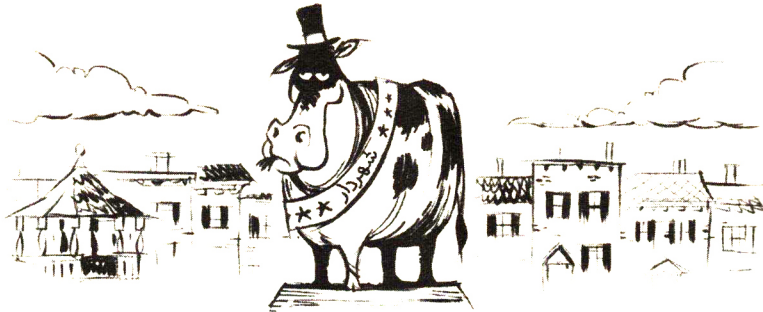
فصل ۱

Yavnee Valley

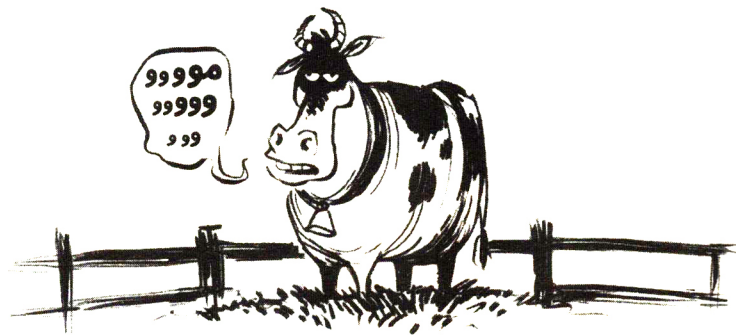
به «یاونی ولی» خوش اومدین، سررمیی سراسر و شاد که
تپه‌های شیدارش به رودحونه‌ها می‌رسن و تا حایی که چشم
کار می‌کنه، میشه توش گاو دید ایم یکیش



سال ۱۸۳۶ سرِ یه اشتباه تو رأی گیری، یه گاو، شد شهردار
یاوسی ولی البته توست رکوردو شکنه و یه بار دیگه هم رأی بیاره!
محسمه‌ی گاو هورم که هوره تو میدون اصلی شهر سرپا واستاده



اگه یه رور کامل، کنار یه گاو وایسین، متوجه می‌شین حدود
صدبار می‌گه موووووو شمردن این موووووو گفتا یه راه مناسب واسه
وقت‌گذرونی تو یاوسی ولیه



این یکیش!
نا چیرایی که گفتیم، اگه از گاو حوشتون بیاد، «یاوسی ولی» براتون
حای خیلی ناخالیه
اما مایلر مُرفی از گاو حوشتش میومد

یه کم از یاوسی ولی نگیم اگه تموم گاوا‌ی ایحا رو روی هم سوار
کنیم، می‌رن تا کره‌ی ماه و برمی‌گردن (الته خیلی هم ایده‌ی
حالی بیست، چون گاوا هم از ارتفاع می‌ترسن، هم نمی‌تونن بدون
کلاه مخصوص تو فضا نفس بکشن)

